

بررسی جایگاه توریه در مناسبات سیاسی با رویکرد فقهی

دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۸ تأیید: ۱۴۰۳/۷/۱ محمدحسین موحدی*
و عابدین مؤمنی**

چکیده

مفهوم توریه که به عنوان یکی از حیل شرعی در تألیفات متعدد فقهی مورد توجه فقیهان قرار گرفته است، در سیاست جایگاه مشخصی نداشته و روشن نیست که در چه موارد و مصادیقی می‌توان از این راهکار شرعی استفاده نمود. از آنجا که ساحت سیاست دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد، لذا به کارگیری توریه در آن، منوط به تحقق شرایطی است که نیازمند دقت فقهی عمیقی خواهد بود. برای استعمال توریه در سیاست داخلی و خارجی، شرایطی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از این که آن کلام، قابلیت توریه نمودن و برداشت معنای ظاهری از آن را داشته باشد، استعمال توریه در آن مورد خاص از نظر عرف مفید کذب نباشد و موجب لطمه به اعتماد عمومی نگردد و این که استعمال توریه در سیاست به جهت مراعات مصلحت عموم مردم کشور باشد و نه به جهت رعایت مصلحت شخصی. از تتبع در آثار فقیهان و اندیشمندان شیعه، این چنین به دست می‌آید که استعمال توریه در وقت اضطرار مطرح می‌گردد. بنابراین، استفاده از توریه در سیاست در مواقع غیر اضطراری، نه تنها وجهی نخواهد داشت، بلکه باعث لطمه به اعتماد عمومی نیز می‌گردد؛ علاوه بر این، جامعه توریه‌محور، جامعه مطلوب از نظر اسلام نبوده و از نظر دین مبین، اجتماع مطلوب بر محور صداقت دایر می‌باشد؛ صداقت مردم با یکدیگر و صداقت مسئولین با مردم.

واژگان کلیدی

توریه، سیاست داخلی، سیاست خارجی، مناسبات سیاسی، فقه سیاسی

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری دانشکده الهیات دانشگاه تهران:

Hoseinmovahedi1378@gmail.com

** دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران: abedinmomeni@ut.ac.ir

مقدمه

توریه در فقه اسلامی به عنوان یکی از حیل شرعی در نظر گرفته شده که گره‌های فراوانی را می‌گشاید و ثمرات قابل توجهی را به دنبال دارد. در صورت فهم صحیح توریه و مرزبندی ظریف و دقیق آن با دروغ و هم‌چنین به‌کارگیری به موقع آن، فرد مسلمان؛ هم از گناه دروغ‌گویی در امان مانده و هم به مطلوب خود دست یافته است. توریه بیش از امور فردی، در مسائل سیاسی و بین‌المللی کاربرد خواهد داشت و رجال سیاسی در صورت استفاده دقیق از آن در مسائل سیاست بین‌الملل، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات و مواضع سیاسی کشور خود را با بسط ید بیشتری بیان خواهند نمود. این نوشتار، علاوه بر به‌ارمغان آوردن مزایای مترتب بر استفاده از توریه در مناسبات سیاسی و بین‌المللی، آغازی بر پژوهش‌های بیشتر در حوزه به‌کارگیری مفاهیم فقهی در مسائل سیاسی به شمار می‌آید. با استعانت از راهنمایی‌های متخذ از قرآن و روایات، در این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱. تفاوت توریه با دروغ سیاسی در چیست؟
۲. آیا توریه به تقوای سیاسی لطمه می‌زند؟
۳. آیا به‌کارگیری توریه در روابط سیاسی ضرورت دارد؟
۴. شرایط استعمال توریه در مناسبات سیاسی چیست؟

پیشینه بحث

به طور کلی فقیهان در طول تاریخ فقهی شیعه، در یکی از این پنج موضع در باره توریه اظهار نظر کرده‌اند:

اول: فقهای متأخر به ویژه بعد از شیخ انصاری به تبعیت از ایشان، مسأله توریه را در مکاسب محرمه مطرح کرده‌اند و اغلب مانند شیخ انصاری قائل به عدم حرمت توریه هستند.

دوم: در کتاب بیع، در بحث لزوم اختیاری بودن عقد و با مطرح شدن موضوع اکراه، این مسأله مطرح شده است که آیا در صدق اکراه، عجز از تورهیه معتبر است یا خیر؟ سوم: در کتاب ودیعه، در بحث قسم یادکردن نزد ظالم برای حفظ امانت، فقیهان به مسأله تورهیه پرداخته و آن را بر سوگند دروغ مقدم دانسته‌اند. چهارم: در مسأله اکراه بر طلاق، مباحثی در خصوص حیل شرعی؛ از جمله تورهیه ارائه نموده‌اند. پنجم: در کتاب قضا، فقیهان مسأله تورهیه را در مقام ادای سوگند مدعی علیه مورد توجه قرار داده‌اند.

در سال‌های اخیر نیز مقالات مختلفی با محوریت تورهیه نگاشته شده است؛ از جمله آن‌ها مقاله «ماهیت تورهیه و بازخوانی نقش آن در جواز و عدم جواز»، نوشته فرانک بهمنی در مجله پژوهش‌های فقهی به مسأله تورهیه و ابعاد آن پرداخته است (بهمنی، ۱۴۰۰، ش ۴، ص ۱۳۱۹). همچنین مقاله «بررسی فقهی شرط عجز از تفصی در تحقق اکراه با تکیه بر نظر شیخ انصاری»، نوشته محمدمهدی زارعی که در مجله فقه و اصول به چاپ رسیده است، در خصوص اضطراب به تورهیه نگارش شده است (زارعی، ۱۴۰۰، ش ۴، ص ۷۰). مقالات مذکور و دیگر پژوهش‌ها، علی‌رغم این که نکات ارزشمندی را در بر دارند، اما هیچ‌یک به پیوند این مفهوم فقهی با مسائل سیاسی به صورت میان‌رشته‌ای نپرداخته و اغلب با رویکردی درون‌فقهی محض، آن را بررسی نموده‌اند.

بررسی مفهومی

اهل لغت در خصوص کلمه تورهیه به تعابیری مختلف، ولی با مضمونی واحد دست زده‌اند. برخی در تعریف تورهیه گفته‌اند تورهیه عبارت است از ستر و پوشاندن خبر و اظهار غیر آن را نمودن (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۵۲۳). برخی دیگر آن را به اخفای خبر و اظهار ستر معنا نموده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹۴۷) و برخی دیگر از بزرگان اهل لغت، تورهیه را پوشاندن حقیقت خبر و اظهار غیر آن می‌دانند؛ به نحوی که حقیقت را ورای خود قرار دهد تا عیان نباشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۸۹).

در مجموع واژه توریه به معنای پنهان کردن یک شیء در پشت شیء دیگر است. در اصطلاح فقها، تعبیر مختلفی در باره توریه به کار برده شده است. برخی فقیهان در تعریف آن گفته‌اند توریه آن است که مقصود از لفظ، معنای خلاف ظاهرش باشد (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۶) و برخی دیگر توریه را این گونه تعریف نموده‌اند: توریه این است که مقصود گوینده از کلام معنای درست و مطابق واقع بوده، اما خلاف ظاهر باشد (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰).

برخی هم تعریف متفاوت‌تری را از توریه ارائه نموده‌اند. توریه نزد اهل بلاغت عبارت است از این که لفظی دارای دو معنای نزدیک و دور باشد و گوینده از گفتن آن، معنای دور را اراده نماید (فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۱۵).

تعریفی که در کتاب المکاسب از توریه ارائه شده این است که توریه عبارت است از این که منظور گوینده عبارت، معنای صحیح و مطابق واقع آن است، اما هدف او از بیان چنین عباراتی آن است که مخاطب معنایی خلاف معنای واقعی را که نزد او ظهور دارد، از آن برداشت کند (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۷).

معنی التوریة انه یبطن بخلاف ما یظهر (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۴).

این تعریف را عده دیگری از فقیهان به کار برده‌اند که بر اساس آن، استعمال توریه در گرو نیت و قصد فاعل است که نقش تعیین کننده‌ای دارد.

در بیان فقیهان شیعه، توریه با دروغ تفاوت موضوعی دارد؛ اگرچه از لحاظ حکم، ممکن است هر دو مشمول حکم تحریم باشند. در این میان، فقیهانی چون صاحب جواهر قائل به کذب بودن توریه، حداقل در برخی از اقسام آن هستند (نجفی، ۱۴۳۲ق، ج ۳۲، ص ۲۰۹).

مطابق تعریف شیخ انصاری، در توریه مراد متکلم از عبارت، معنای موافق با واقع است و به همین جهت، توریه دروغ نیست؛ زیرا ملاک راستی یک سخن، مطابقت منظور گوینده آن با واقع و ملاک کذب سخن، مخالفت مقصود متکلم با واقع است. لذا مطابقت و عدم مطابقت ظهور کلام با واقع، تأثیری در اتصاف آن به صدق و کذب

ندارد و گوینده مسئولیتی نسبت به فهم مخاطب خود ندارد. پس آنچه اهمیت دارد، آن است که متکلم قصد صحیح و مطابق با واقع را در نظر داشته باشد. در این میان، باید توجه داشت هر کلامی این امکان را ندارد به صورت توریه بیان شود؛ زیرا جمله‌ای که متکلم قصد توریه با آن را دارد، باید دارای دو معنا باشد: یک معنای ظاهری که شنونده آن را متوجه می‌شود و یک معنای غیر ظاهری که مراد متکلم می‌باشد. پس به طور کلی توریه و دروغ دو مفهوم متفاوت هستند، اما مرزبندی‌های ظریف و دقیقی دارند که باید آن‌ها را مراعات نمود تا در دام دروغ نیفتاد.

توریه در آیات قرآن کریم

در قرآن کریم در ذیل برخی داستان‌های انبیای الهی روشن می‌گردد که برخی از ایشان از توریه استفاده نموده‌اند که در این نوشتار به برخی از آن‌ها به طور اجمالی اشاره می‌شود.

استعمال توریه توسط حضرت ابراهیم علیه السلام

آیات ۸۸ و ۸۹ سوره مبارکه صافات بیان می‌نماید این پیامبر الهی به جهت این‌که در مراسم بیرون از شهر شرکت ننماید و از فرصت خالی‌بودن شهر برای شکستن بت‌های شهر استفاده نماید و در عین حال برای آن‌که بهانه‌ای جهت ماندن در شهر بیاورد، نگاهی به آسمان افکند و فرمود من بیمارم. برخی مفسرین در توجیه کلام حضرت ابراهیم علیه السلام گفته‌اند: نگاه کردن ایشان به نجوم و خبردادن از مریضی خود از باب معاریض کلام است و معاریض عبارت است از این‌که گوینده چیزی را بگوید که شنونده از ظاهر آن معنایی بفهمد و خود او معنای دیگری اراده کند و مراد ایشان از عبارت «اَنّی سقیم» این بوده که او به زودی دچار بیماری می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۹). برخی دیگر از مفسرین، گفتن معاریض برای انبیا را جایز نمی‌دانند؛ زیرا باعث می‌شود اعتماد مردم به سخنان ایشان سست شود و توجیهات دیگری را بیان نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج ۱۷، ص ۲۲۵).

آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مبارکه انبیا نیز بیان می‌دارد، وقتی ایشان بت‌های شهر را شکست، تبر را در دستان بت بزرگ قرار داد. وقتی که مشرکین از ایشان در مورد شکستن بت‌ها پرسیدند، این پیامبر الهی فرمود: «این عمل را بت بزرگ انجام داده است». در این جا برخی مفسرین بیان داشته‌اند ابراهیم توریه کرده و یا فرموده‌اند دروغ‌های ابراهیم، دروغ نبوده، بلکه مجادله و محاجه برای دین خدا بوده است (همان، ج ۷، ص ۳۱۳).

استعمال توریه توسط حضرت یوسف علیه السلام

آیه ۷۰ سوره مبارکه یوسف بیان می‌دارد که یوسف دستور داد تا جام عزیز مصر را در بار برادر تنی او بگذارند و هنگامی که کاروان به راه افتاد، منادی عزیز مصر فریاد زد که ای کاروانیان! شما دزد هستید. حال آن‌که اهل کاروان دزدی نکرده بودند که یوسف گفته بود چنین کلامی را منادی بگوید. مفسرین قرآن کریم در مقام توجیه این سخن، گفته‌اند مقصود یوسف علیه السلام این بوده است که شما برادران را از پدرش دزدیدید، نه این‌که جام را دزدیده باشید (همان، ج ۱۱، ص ۳۰۴).

توریه در روایات

توریه افزون بر آیات قرآن، در مصادر روایی نیز به وضوح مشاهده شده و این مفهوم فقهی توسط ائمه اطهار علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است؛ البته عین لفظ توریه در عبارات موجود در روایات بیان نشده، بلکه معنا و مفهوم آن مورد اشاره قرار گرفته است. در این قسمت مهم‌ترین احادیثی که ناظر بر معنای توریه می‌باشد، بیان می‌گردد.

روایت عبدالله بن بکیر

در روایتی عبدالله بن بکیر از حضرت صادق (سلام الله علیه) نقل می‌کند که از ایشان در خصوص مردی سؤال شد که از او برای ورود به منزلش اذن می‌گیرند و او به کنیزش می‌گوید: بگو این جا نیست؛ حضرت در این جا فرمودند: اشکالی ندارد و این کلام دروغ نیست (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۵۴).

روایت محمد بن یعقوب

محمد بن یعقوب، باسناده عن عبدالاعلی قال: حدثني ابو عبدالله عليه السلام بحديث فقلت: جعلت فداك اليس زعمت لي الساعة كذا و كذا؟ فقال: «لا». [فعظم ذلك عليّ فقلت: بلى والله زعمت. قال:] لا والله ما زعمته. [قال: فعظم ذلك عليّ فقلت:] بلى قد قلته، اما علمت ان كل زعم في القرآن كذب» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۴۲)؛ عبدالاعلی نقل می کند که حضرت صادق (سلام الله علیه) کلامی را برای من فرمود، من به ایشان گفتم شما در فلان وقت این کلام را به من نفرموده بودید (به جای کلمه قلت، کلمه زعمت را استعمال نموده بود). حضرت فرمودند: خیر. بر من گران آمد و عرض کردم والله گفتید. حضرت فرمودند: والله نگفتم. بر من سخت آمد و گفتم والله گفتید (این دفعه کلمه قلت را به کار برد). حضرت فرمودند: بله گفتم؛ مگر نمی دانی که زعم در قرآن به معنای دروغ است.

برخی فقیهان از این روایت، جواز توریه به صورت مطلق را استفاده نموده اند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۳).

روایت ابوبصیر

ابوبصیر نقل می کند در محضر حضرت باقر (سلام الله علیه) بودم، شخصی گفت سالم بن حفصه و اصحابش در مورد شما می گویند که شما بر هفتاد وجه سخن می گوید و می توانید مسؤولیت بیان آن را نپذیرید. حضرت فرمودند: آیا سالم از من می خواهد که ملائکه را بیاورم؟ به خدا سوگند که پیامبران این چنین نکرده اند. همانا ابراهیم عليه السلام گفت من بیمارم؛ در حالی که بیمار نبود و دروغ هم نگفت و یوسف عليه السلام گفت ای قافله! شما دزد هستید؛ در حالی که دزد نبودند و یوسف عليه السلام هم دروغ نگفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۰).

مطابق آیات و روایات مذکور، استعمال توریه در مواضع مختلفی ضرورت پیدا می کند و شارع در مواقع اضطرار استفاده از توریه را جایز می داند.

گستره توره

توره در ابعاد گوناگون زندگی انسان می‌تواند تأثیرات مختلفی داشته باشد که هر کدام از آن‌ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

توره و امنیت فردی

اولین ساحتی که اشخاص برای رهایی از معصیت دروغ به توره متوسل می‌شوند، ساحت شخصی آن‌ها می‌باشد؛ بدین معنا که افراد برای مصالح و منافع فردی خود، دست به توره می‌زنند؛ در صورت فهم صحیح این مفهوم فقهی، توره می‌تواند ضامن برقراری امنیت فردی اشخاص گردد. در این ساحت از توره، متکلم قصد دارد طرف مقابل به مراد او پی نبرد، بنابراین، خلاف ظاهر را اراده نموده یا جمله‌ای دوپهلوی بیان کرده و یا به خاطر آشنایی با تصورات مخاطب، کلامی را به کار برده است که اگرچه ظاهر در مراد اوست، ولی می‌داند که مخاطب به آن پی نمی‌برد. در این میان، برخی از معاصرین جایی را که مراد گوینده خلاف ظاهر است، داخل در کذب دانسته و حرام می‌دانند، اما جایی که مخاطب خودش دقت به خرج نداده است را جایز می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۰۷).

توره و امنیت اجتماعی

توره علاوه بر ساحت شخصی، در برخی موارد در بعد اجتماعی نیز ضامن امنیت جامعه خواهد بود. سیاست‌مداران نظام اسلامی در صورتی که در مواقع لزوم از مفهوم فقهی توره استفاده نمایند و به ویژه در سیاست خارجی از این حیلۀ شرعی بهره ببرند، منافع آن متوجه جامعه اسلامی و قاطبۀ مردم کشور خواهد شد. به‌کاربردن الفاظ و کلماتی که موجب اقتدار نظام اسلامی و ترس دشمنان در دنیا می‌شود، بدون شک ضامن امنیت اجتماعی در ابعاد و گستره وسیع خود خواهد بود؛ البته توره در سطح جامعه نباید مفید کذب گردد و برداشت عرف جامعه از آن، به عنوان کلام کذب نباشد. برخی فقیهان نیز ناظر بر همین مطلب، بیان داشته‌اند که عرف جامعه مساعد است، برای

این که از کلام کذب به هر چیزی که مفید فایده کذب باشد، الغای خصوصیت نماید (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۸).

فلذا نباید با بی توجهی، فرصت استفاده از توره را تبدیل به تهدید بی اعتمادی عمومی نمود. در میان فقیهان نیز عده‌ای به‌طور جازم قائل به حسن توره نشده‌اند و در باب ایمان، ذیل بحث دفع ظلم، گفته‌اند، اگر توره حسن و نیکو باشد، واجب است به واسطه توره از کذب خلاصی یافت و اگر توره نیکو نباشد، می‌تواند قسم دروغ بخورد و گناهی بر او نیست و کفاره‌ای هم ندارد (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۲۷). پس استعمال توره در عرصه اجتماعی منوط به اضطرار به استعمال توره و عدم صدمه اعتماد ملی و بین‌المللی است.

توره و امنیت اقتصادی

یکی دیگر از میادین استعمال توره، در عرصه امور اقتصادی است، اما باید در این عرصه توجه تام و کامل داشت تا این که توره تبدیل به دروغ و تدلیس و کم‌فروشی در معامله نگردد. شخص کاسب و تاجر باید این را بداند که همواره تقوا مقدم بر هر چیزی است و تقوای اقتصادی در معاملات، باید نصب‌العین وی باشد. رهبر معظم نیز در مواضع گوناگون بر تقوای مالی و اقتصادی تأکید داشته و آن را به مسؤولان نظام اسلامی، بیش از سایرین توصیه می‌نماید:

نظام یک نظام و استواری آن بستگی به تقوای مالی دارد، فساد مالی بدترین ننگ را برای یک حکومت به بار می‌آورد و موجب سقوط آن می‌شود.

عدم تقوای مالی به صورت‌های زیر بروز و ظهور می‌کند:

۱. دزدی و سرقت از بیت‌المال

این قسم روشن‌ترین و ساده‌ترین قسم از اقسام فساد مالی است. یک مسؤول دولتی از صدر تا ساقه ممکن است به بیت‌المال دستبرد بزند و آن را به کیسه شخصی بریزد. این کار برای مقامات بالا و عالی‌رتبه امکان بیش‌تری دارد؛ چون می‌توانند از بودجه‌های سرّی و کاملاً محرمانه بر داشته و بر اندوخته مالی بیفزایند؛ بدون آن که در جایی ثبت و ضبط گردد.

۲. رشوه‌خواری

گاه یک رئیس یا کارمند از ارباب رجوع مبلغی دریافت نموده تا کار او را انجام دهد، اکثر اوقات رشوه‌های کلان به صورت پلی است که بالای همه مقررات قرار گرفته است و ارباب رجوع از آن پل به سادگی می‌توانند عبور کنند و به مقصد برسند.

۳. معامله و خرید و فروش

این قسم به صورت متداولی در میان برخی از زمام‌داران کشورها رواج دارد. معمولاً زمام‌داران، وقتی به پست‌های کلیدی دست می‌یابند، به کار تجارت می‌پردازند یا بساز و بفروش می‌شوند یا کارخانه‌دار یا جنس صادر می‌کنند یا وارد می‌نمایند یا به صورت شرکت‌های خصوصی یا تعاونی یا به صورت‌های دیگر. چون قدرت و مقام دارند، از تمامی امکانات دولتی استفاده می‌کنند.

تعبیر امیرالمؤمنین در خطبه شقشقیه آن است: «و کَبَتْ به بطنته»؛ شکم‌بارگی او، وی را به رو در افکند و موجب سقوطش شد. اگر در نظام اسلامی هم فساد مالی رخنه کند، بزرگ‌ترین آفتی است که ارکان آن را به لرزه در می‌آورد.

با توجه به این مطالب، توریه در امور اقتصادی؛ چه به صورت جزء و چه به صورت کلان، غالباً خالی از قصد کسب منفعت شخصی نیست. فلذا در امور مالی در اکثر موارد، توریه تبدیل به دروغ می‌گردد. مؤید این مطلب نیز کلام برخی از فقیهان، ذیل بحث بیع می‌باشد که استعمال توریه در بیع مباحه را جایز نمی‌دانند (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۷۸). به نظر می‌رسد علت عدم جواز استعمال توریه در این نوع از بیع این باشد که به‌کارگیری توریه در بیع مباحه در اکثر قریب به اتفاق موارد به دلیل منفعت شخصی صورت می‌گیرد که تبعاً ضرر و خسارت مشتری را به دنبال خواهد داشت.

مفهوم توریه در سیاست

توریه در سیاست از دو جهت نفس مفهوم توریه و شخص مورّی مورد بحث قرار می‌گیرد: توریه در روابط سیاسی با توریه در روابط غیر سیاسی، از نظر مفهومی تفاوت چندانی ندارند و همان مفاهیم بالا در خصوص توریه در سیاست هم قابل انطباق است؛

با این تفاوت که غایت توریه در روابط غیر سیاسی، ممکن است منافع شخصی بوده، ولی توریه در سیاست با هدف رعایت مصالح عمومی به کار گرفته می‌شود و منافع آن، جامعه اسلامی را در بر خواهد گرفت.

پس در مناسبات سیاسی نیز برای توریه نمودن، یک جمله باید دارای دو معنای ظاهری و غیر ظاهری باشد که مخاطبان از سخن متکلم، معنای ظاهری را برداشت نموده؛ در حالی که موری معنای غیر ظاهری را مد نظر دارد.

همان‌طور که ذکر شد، فقیهان ذیل بحث حلف، سخن از توریه به میان آورده‌اند و گفته‌اند توریه آن است که در هنگام سوگند، مقصود خود را بر خلاف ظاهر کلام در نظر بگیرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵۷). به عنوان مثال، در کتاب غنیه در باب ودیعه بیان شده که بر امانتدار جایز است در مقابل ظالم قسم بخورد که امانتی در دست او وجود ندارد؛ بدین صورت که در قسم خود توریه نماید و نیتی را درون خود داشته باشد که او را از کذب رهایی بخشد و دلیل بر این فتوا هم اجماع شیعه بیان شده است (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۲۸۳). آنچه به نظر می‌رسد، این است که مقام سوگند در این جا موضوعیت نداشته باشد و ایشان در مقام بیان یکی از مواضع کاربردی توریه برآمده‌اند که شخص برای مصالحی، سوگند به صورت توریه را ادا نماید. در صورت پذیرش این کلام می‌توان گفت در تمام مواردی که دارای حساسیت قابل توجه بوده می‌توان از توریه استفاده نمود و یکی از مهم‌ترین این مواضع، مقام سیاست است که منافع آن وسعت بیش‌تری داشته و جامعه بزرگ‌تری را در بر می‌گیرد.

توریه در سیاست داخلی

به کارگیری توریه در سیاست داخلی توسط سیاست‌مداران، با رعایت سه شرط می‌تواند مورد قبول فقه اسلامی قرار گیرد: اولاً؛ شخصی که اقدام به توریه می‌نماید، با ابعاد و زوایای این مفهوم فقهی آشنایی کامل داشته باشد. به عنوان مثال، کلامی قابلیت توریه نمودن دارد که یک معنای ظاهری و یک معنای غیر ظاهری داشته باشد. بنابراین، کلامی که عرفاً دارای معنای غیر ظاهری نباشد، نمی‌تواند در قالب توریه بیان شود.

ثانیاً: به کارگیری تئوریه توسط سیاست‌مداران داخلی به نحوی نباشد که عرفاً افاده کذب نماید؛ بدین معنا که ممکن است کلامی از نظر فقهی دارای معنای غیر ظاهری باشد و در نتیجه به کارگیری تئوریه در آن مورد، منع شرعی نداشته باشد، اما استعمال آن کلام در نظر عرف مخصوصاً زمانی که تکرار گردد، موجب از بین رفتن اعتماد عمومی به کارگزاران نظام اسلامی گردد؛ در این صورت با وجود این که از نظر فقهی محض، نمی‌تواند اشکالی بر متکلم وارد گردد، اما از آن جا که موجب ضربه به اعتماد ملی که از ارکان اساسی نظام اسلامی است، می‌گردد، فلذا نمی‌تواند مورد تأیید سیاست کلی حکومت اسلامی قرار گیرد. برخی مفسرین قرآن کریم قائل هستند که استعمال تئوریه برای انبیای الهی جایز نیست؛ به دلیل این که باعث از بین رفتن اعتماد مردم به سخنان ایشان می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج ۱۷، ص ۲۲۵). بنابراین، اگر استفاده از تئوریه توسط سیاست‌مداران سبب از بین رفتن اعتماد عمومی گردد، بدون شک قبیح و مذموم خواهد بود و اثرات آن نیز غیر قابل جبران می‌باشد.

ثالثاً: استعمال تئوریه در سیاست داخلی کشور به جهت رعایت مصلحت نوعی و جمعی باشد و نه به جهت رعایت مصلحت شخصی.

با در نظر گرفتن و مراعات سه شرط مذکور، سیاست‌مداران داخلی می‌توانند بنا بر مصالحی از تئوریه استفاده نمایند.

تئوریه در سیاست خارجی

اهمیت و کاربرد تئوریه در سیاست خارجی به مراتب بیش تر از سیاست داخلی است؛ از آنجا که سیاست خارجی، دارای شرایط خاصی می‌باشد، لذا استعمال تئوریه هم در این فضا شرایط خاص خود را می‌طلبد.

در سیاست خارجی باید مصلحت جامعه اسلامی و نظام اسلامی همواره نصب‌العین باشد و تمامی گام‌ها بر این اساس بر داشته شود؛ اساسی‌ترین شرط به کاربردن تئوریه در سیاست خارجی نیز ناظر به همین مطلب می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مدارک شرعیه که ذیل این بحث کاربرد دارد، آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»

می‌باشد. در کتاب القواعد الفقهیه آمده است که قاعده نفی سبیل بر ادله‌ای که تکفل بیان احکام واقعیه را دارند، حکومت دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۸۷)؛ لذا بر اساس این قاعده، احکام جاری در مسائل سیاست خارجی نیز به نحو توسعه یا تضییق قابل تغییر خواهد بود.

توریه یکی از ابزارهای اجرایی کردن قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی می‌باشد؛ بدین معنا که به وسیله توریه در گفتار یا نوشتارهای سیاسی، مصالح جامعه اسلامی مراعات می‌گردد و از چیرگی دول غیر مسلمان بر مسلمین جلوگیری می‌شود.

اما در عین حال، به کارگیری توریه در سیاست خارجی نباید موجب از بین رفتن اعتماد جوامع بین‌المللی نسبت به نظام اسلامی گردد؛ چراکه در این صورت، سده بزرگی پیش روی حکومت اسلامی در راستای روابط دوستانه با سایر دول قرار می‌گیرد و این به ضرر مسلمین خواهد بود و از طرفی نیز موجب کدرشدن چهره نظام مبتنی بر اسلام و به تبع، بدبینی مردم دنیا به دین مبین اسلام می‌گردد.

برخی فقها نیز در کلمات خود بیان کرده‌اند که اگر بر توریه مفسده‌ای مترتب گردد، از همان جهت حرام می‌باشد (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۸).

تفاوت توریه سیاسی با دروغ سیاسی

از مطالب ذکرشده تفاوت میان توریه در سیاست و دروغ سیاسی مشخص می‌گردد؛ چراکه توریه با دروغ تفاوت موضوعی دارد و مفهوم دروغ تخصصاً از مفهوم توریه خارج است؛ در دروغ سیاسی، سیاست‌مداران داخلی و خارجی کاملاً امری غیر واقعی و جدا از حقیقت را بیان می‌کنند که هیچ محمل شرعی برای صحت آن وجود ندارد و صرفاً به جهت مقاصد سیاسی بیان می‌شوند، اما توریه در سیاست، مفهومی جداگانه دارد؛ بدین معنا که همان‌طور که بیان شد، اولاً: باید هدف از استعمال توریه در سیاست، رعایت مصلحت مسلمین باشد و ثانیاً: خود کلام قابلیت برداشت جداگانه و غیر ظاهری داشته باشد.

در این میان، عده‌ای از فقیهان، معیار صدق و کذب بودن کلام را چیزی می‌دانند که

از ظاهر کلام برداشت می‌شود، نه چیزی که مقصود و مراد متکلم است (محقق قمی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۱۹). حال آن‌که گفته شد آن چیزی که معیار است، مطابق واقع بودن خبر می‌باشد و آن هم دایر مدار مراد مخبر است (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۸). پس دروغ سیاسی، نه تنها هیچ یک از ارکان مفهوم فقهی توریه را دارا نمی‌باشد، بلکه مفسده بزرگ از بین رفتن اعتماد عمومی به نظام اسلامی هم بر آن مترتب است؛ نداشتن صداقت در میدان سیاست امری است که از جانب مقام معظم رهبری نیز در مواضع متعدد مورد نفی و نهی قرار گرفته است. ایشان در خصوص سیاست صادقانه فرمودند:

تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم‌اندازی و فریب و دروغ‌گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست؛ یعنی اداره درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی؛ یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۵/۵).

تقوای سیاسی امری است که در سراسر دوران عمر سیاسی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، با پایان عمر خلیفه دوم، با سه شرط خلافت به حضرت امیر (علیه السلام) پیشنهاد شد که ایشان از پذیرش شرط سوم؛ یعنی متابعت سیره شیخین امتناع ورزیدند. علی (علیه السلام) حاضر نشد در شورا بر خلاف عقیده خود یک وعده دروغ بدهد و یا توریه نماید تا در نتیجه سلطنت دنیای اسلام را به دست آورد و این همان معنای تقوای سیاسی است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۴۱۹).

مرحوم استاد مطهری در این خصوص می‌فرمایند:

من بعضی اشخاص واقعاً متدین را می‌بینم که همیشه دروغ می‌گویند و همیشه هم توریه می‌کنند؛ یعنی هر وقت نمی‌خواهد واقعاً یک حرفی بزند که قصدش هم دروغ‌گفتن باشد و به نیت دروغ بگوید، دروغ می‌گوید، ولی به صورت توریه؛ یعنی مطلب را یک جور می‌گوید به قلبش خطور می‌دهد

که مقصود چیز دیگری است، ولی طرف ظاهر لفظ را می‌فهمد. برای طرف فرق نمی‌کند که شما به این قصد بگویید یا به قصد دیگری، به هر حال، گمراه می‌شود. چرا نباید دروغ گفت؟ برای این که مردم گمراه می‌شوند. توریه در جایی است که دروغ گفتن واجب است (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۲۷، ص ۷۹۳).

پس توریه سیاسی در صورتی که عرفاً افاده دروغ سیاسی نماید و موجب ازبین رفتن اعتماد ملی گردد، قطعاً ادله کذب شامل آن خواهد بود و آثار مخربِی را به دنبال دارد.

در روایتی حضرت باقر علیه السلام می‌فرمایند:

خداوند برای شر، قفل‌هایی قرار داده است و کلید آن قفل‌ها شراب است و دروغ از شراب بدتر است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۹).

پس تقوای سیاسی و مراعات صداقت در مواجهه با مردم، همواره لازم‌الاتباع بوده و تحت هیچ شرایطی قابل تخلف نخواهد بود.

اغراق و خلف وعده

نکته دیگری که در ذیل این بحث می‌تواند مطرح گردد، این است که اگر اشخاص سیاسی، در بیان مسائل کشور؛ اعم از موفقیت‌ها و ناکارآمدی‌ها زیاده‌روی کنند و اغراق نمایند، کلام آن‌ها متصف به کذب می‌گردد یا خیر؟

فقیهان شیعه این فرع فقهی را تحت عنوان مبالغه در ادعا، در مباحث فقهی خود گنجانده‌اند؛ برخی در این زمینه قائلند که مبالغه در ادعا هر قدر هم که زیاد باشد، منعی ندارد و مشمول کلام کذب قرار نمی‌گیرد (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۶). از دیگر امور رایج میان سیاست‌مداران می‌توان به سخنانی اشاره نمود که در عرصه‌های مختلف به مردم وعده می‌دهند. از نظر فقهی آنچه میان فقیهان مشهور است، آن‌که خلف وعده داخل در کذب نیست، به دلیل این‌که از مقوله کلام نمی‌باشد (همان، ص ۱۵). همین‌طور به علت این‌که وعده، انشاء است، نه اخبار (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۵)؛ البته عده‌ای از روایات مأثوره از معصومین علیهم السلام، ظهور در حرمت آن دارند (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۵۱۵). آنچه می‌توان از ادله و کلمات فقیهان

جمع‌بندی نمود، آن است که خلف وعده، اگر عرفاً کذب محسوب شود و در مورد وعده‌ای که می‌دهد، می‌داند تخلف می‌کند، به عنوان مثال، وعده به امور صعب یا محال، داخل در کذب بوده و شامل ادله حرمت می‌گردد، ولی اگر نمی‌داند تخلف می‌کند، کذب محسوب نمی‌شود.

برخی فقیهان نیز فرموده‌اند کذب؛ اگرچه از صفات خبر است، اما حکم آن در امور انشایی نیز قابل تسری است (نجفی، ۱۴۳۲ق، ج ۲۲، ص ۷۲).

خلف وعده در فرضی که عرفاً افاده کذب نماید، به ویژه در صورتی که توسط سیاست‌مداران و در گستره بزرگ‌تری بیان شود، حرمت آن از جهت نفس خلف وعده خواهد بود و افزون بر این، به جهت ضربه به اعتماد عمومی، حکم حرمت تشدید خواهد شد.

ضرورت به‌کارگیری توریه سیاسی

توریه که در سیاست ممکن است به انگیزه‌های مختلفی؛ اعم از رعایت مصالح داخلی و خارجی صورت پذیرد، در برخی موارد جنبه ضرورت پیدا می‌کند.

فقیهان شیعه در چندین باب فقهی که مصداقی برای ضرورت وجود دارد، حکم به وجوب توریه نموده‌اند؛ حکم وجوب توریه در این ابواب فقهی به صورت انحصاری و مختص به این ابواب نیست، بلکه این فروع از باب مثال برای ضرورت استفاده از توریه می‌باشد. از همین رو، قاطبه فقهای امامیه حکم به وجوب توریه در هنگام ضرورت نموده‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۱۷). لذا در هر مسأله‌ای که ضرورت اقتضا نماید، استعمال توریه حکم وجوب پیدا می‌نماید و موری باید با نیتی که کلام او را از کذب خارج می‌کند، توریه نماید.

استعمال توریه در سیاست نیز در مواضع متعددی ضرورت پیدا می‌کند؛ به‌طور کلی در هر امری که توریه موجب حفظ کیان اسلام و نظام اسلامی گردد و عدم استعمال آن سبب تضعیف حکومت اسلامی شود، یکی از مواضع قطعی ضرورت می‌باشد که باید از توریه استفاده نمود.

با عنایت به قاعده نفی سبیل و کاربرد آن در مسائل سیاسی، هر آنچه که موجب غلبه کفار بر مسلمین گردد، در شریعت اسلامی نفی شده است. روایاتی چون «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴). نیز ناظر بر همین معناست که جمیع احکام و تشریعات اسلامی موجب علو مسلمین است و با توجه به حاکم بودن قاعده نفی سبیل بر احکام اولیه، هر آنچه که موجب تضعیف نظام اسلامی گردد، مورد نفی قرار می گیرد.

از دیگر دلایل ضرورت به کارگیری تئوری در برخی مواضع سیاسی می توان به مناسبت حکم و موضوع اشاره نمود. برخی فقیهان مناسبت حکم و موضوع را از مدارک قاعده نفی سبیل به شمار آورده و آن را این چنین معنا نموده اند که شرافت و عزت اسلام اقتضا می نماید که در احکام و شریعت اسلامی، حکمی جعل نشود که موجب ذلت و خواری مسلمین گردد و با عبارت غندی أن هذا الوجه أحسن الوجوه للاستدلال على القاعدة، دلیل مناسبت حکم و موضوع را از سایر مدارک شرعی برای قاعده نفی سبیل متقن تر می دانند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

پس شاعری که رضایت نمی دهد یک کافر متولی وقفی گردد که راجع به امور مسلمین است، چگونه رضایت به تضعیف حاکمیت اسلامی خواهد داد؟ لذا اگر قراردادی از روی خیانت یا از روی جهل توسط سیاستمداران منعقد شود؛ به طوری که مسلماً موجب تضعیف نظام اسلامی گردد، علاوه بر حکم تکلیفی حرمت، دارای حکم وضعی بطلان نیز خواهد بود؛ همان گونه که محقق بجنوردی در القواعد الفقهیه در موارد تطبیق قاعده نفی سبیل با مصادیق متعدد فقهی می فرمایند:

فالمراد من عدم الجواز فی هذه الموارد، عدم الصحة لا الحرمة التکلیفیه فقط (همان، ص ۲۰۵).

یکی از مصادیق مهم و کاربردی ضرورت تئریه، به کارگیری آن در امور نظامی کشور می باشد. در مسائل نظامی، عدم رعایت تئریه مستلزم افشای اسرار کشور و به تبع، تضعیف قوای نظامی و امنیت عمومی می گردد.

لذا مسؤولان نظامی کشور باید در جوامع بین المللی از بیان امور حساس نظامی

کشور اجتناب ورزند و در صورت لزوم، از توریه استفاده نمایند؛ چراکه لازمه عدم توریه در این مواقع، فهم دشمنان نسبت به تسلیحات کشور و تبعاً ضربه‌پذیری نظام اسلامی است. باید توجه داشت که این مسأله از اموری است که حتی بیان دروغ نیز در مورد آن جایز است، اما با توجه به فتاوی اکثر فقیهان، می‌بایست در موارد اضطرار مرتکب دروغ شد و در صورتی که امکان توریه‌نمودن وجود داشته باشد، توسل به کذب جایز نمی‌باشد. بنابراین، کذب حرام است و اضطرار به بیان کلام کذب که از مسوغات است، در صورت امکان توریه‌نمودن حاصل نمی‌شود (شیخ انصاری، ۱۴۴۲ق، ج ۲، ص ۲۴).

نتیجه‌گیری

توریه در امور سیاسی، مانند تیغه دولبه‌ای است که استعمال آن گاهی ضرورت پیدا می‌کند و گاهی چنان خسارتی وارد می‌آورد که با هیچ امر دیگری قابل جبران نخواهد بود. مراعات تقوای سیاسی و رویارویی صادقانه با مردم، از اصول مهم حاکمیت اسلامی است که هیچ چیزی توان کنارزدن این اصول را نخواهد داشت.

توریه در ساحات مختلف با رعایت شروطی، ضامن امنیت فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. در سیاست داخلی و خارجی، استعمال توریه دارای شرایطی است که عدم مراعات هر کدام از آن‌ها از طرفی بغض شارع و از طرف دیگر، لطمه به اعتماد ملی و تخریب چهره نظام اسلامی در جوامع بین‌المللی را در پی خواهد داشت. این شروط عبارت است از: ۱. کلام، قابلیت توریه‌نمودن را داشته باشد و بتوان از آن، معنای ظاهری‌اش را برداشت نمود. ۲. عرف، استعمال توریه در آن مورد را کذب به حساب نیاورد و ۳. استفاده از توریه در سیاست، به جهت مراعات مصلحت عمومی باشد و نه منفعت شخصی.

آنچه که از مجموع مباحث و ادله استفاده می‌گردد، آن است که استعمال توریه، اگر به گونه‌ای باشد که عرفاً افاده کذب نماید و ظهور در خلاف واقع بودن داشته باشد، جایز نخواهد بود، مگر در مواردی که اضطرار وجود داشته باشد و عدم استعمال توریه سبب تسلط اطلاعاتی دشمنان بر امور نظام اسلامی گردد که در این صورت؛ هم بنا بر

اضطرار و هم بنا بر قاعده نفی سبیل که حاکم بر ادله اولیه می باشد، استعمال توریه، ولو ظهور در خلاف واقع بودن داشته باشد، منعی ندارد. اما اگر توریه سیاسی، عرفاً مفید دروغ سیاسی نباشد و صرفاً کلامی به صورت دوپهلوی بیان شود، منعی در کار نخواهد بود و چه بسا در بسیاری مواقع لزوم پیدا خواهد نمود.

هم چنین باید یادآور شد که اصل، در رابطه حاکمیت با مردم و مردم با یکدیگر، مبتنی بر صداقت می باشد و جامعه توریه محور، جامعه مطلوب اسلامی نخواهد بود. بنابراین، حکم جواز استعمال توریه نیز در مواقع اضطرار موجه می گردد.

منابع و مأخذ

✽ قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، ابوحامد عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن ادریس، حلی، محمد بن منصور بن احمد حلی، السرائر، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن زهره حلبی، سید حمزه بن علی بن زهره، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسة الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۵. امام خمینی، سیدروح الله، المکاسب المحرمة، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چ ۲، ۱۴۱۵ق.
۶. بهمنی، فرانک، «ماهیت توریه و بازخوانی نقش آن در جواز و عدم جواز»، مجله پژوهش های فقهی، دوره هفدهم، ش ۴، ۱۴۰۰.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۶، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۸. خامنه ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر آثار: Khamenei.ir
۹. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۴۱۰ق.
۱۰. زارعی، محمد مهدی، «بررسی فقهی شرط عجز از تفصی در تحقق اکراه با تکیه بر نظر شیخ انصاری»، مجله فقه و اصول، ش ۴، ۱۴۰۰.

۱۱. سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل، المبسوط، ج ۷، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۱۲. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۴۲ق.
۱۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲ و ۱۳، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۳، ۱۴۱۶ق.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲، ۱۴۱۳ق.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶ و ۱۷، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳۹، ۱۳۹۶.
۱۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۱۷. فاضل مقداد، جمال الدین بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۳، قم: المكتبة المرتضوية للأحياء الآثار الجعفرية، ۱۴۲۲ق.
۱۸. فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق.
۲۰. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲ و ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. محقق قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، القوانين المحکمة فی الاصول، ج ۱، قم: احياء الكتب الإسلامية، ۱۴۳۰ق.
۲۲. محقق کرکی، نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی، جامع المقاصد، ج ۵، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۴ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۷، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۰.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، المقنعة، یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم: ایران، اول، ۱۴۱۳ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهة فی احکام العترة الطاهرة، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۵ق.
۲۶. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهية، ج ۱، قم: نشر الهادی، ۱۴۰۱ق.
۲۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۲ و ۳۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۷، ۱۴۳۲ق.